

## نقش طراحی و معماری محیط‌های شهری

### در کاهش جرم و ناامنی

رضا باباییان آتنی<sup>۱</sup>

محمد رضایی<sup>۲</sup>

#### چکیده

توجه به نقش سبک ساخت‌وساز و یا به عبارتی توجه به طراحی و معماری به‌عنوان یکی از راهکارهای کاهش بروز جرم و ناامنی محسوب می‌شود. با نگاهی عمیق و علمی به نوع معماری و شهرسازی در اعصار مختلف، با دو نوع دیدگاه ویژه در این بخش مواجه می‌شویم، یعنی طراحی و معماری بر اساس دو نگاه ویژه به محیط داخلی (توجه به اقلیم و شرایط آب و هوایی) و خارجی (تهدیدات متصوره بیگانگان و یا راهزنان)، از اهمیتی بالا برخوردار بود. یکی از این نمونه‌ها مسقف و یا دالانی کردن کوچه‌ها و معابر ورودی در محلات قدیمی شهر سمنان مشهود و بارز است؛ که این سبک و شیوه معماری بر اساس همان دو دیدگاه اشاره‌شده شکل گرفته یعنی توجه به دو آیتم محیط طبیعی و توجه به دفاع در برابر تهاجم مغولان شکل گرفته بود (مغولان در نبردهای سواره بسیار ماهر و چیره‌دست، اما در نبردهای پیاده، دارای ضعف به دلایل مختلفی از جمله تحرک کم، عدم انعطاف بدنی و ... بودند و از آنجایی که یک سواره‌نظام مغول برای حمله متکی به اسب بوده و عبور با سوار بر اسب از این معابر امکان‌پذیر نبوده به همین دلیل مغولان در حمله به مکان‌هایی که مجبور به پیاده شدن از اسب بوده صرف‌نظر می‌کردند). معماران شهری آن زمان با این طراحی ساده و ابتکاری از بروز حمله و تهاجم دشمن جلوگیری نمودند و درواقع یک نوع پدافند غیرعامل را اجرا نمودند. پس می‌توان به نقش طراحی و معماری در شهرها، خصوصاً اگر به سبک معماری اسلامی، ایرانی باشد، در پیشگیری از وقوع جرائم و برقراری امنیت پرداخت. هدف از تدوین این مقاله بررسی نظریه‌ها و راهبردها و دیدگاه صاحب‌نظران در این خصوص و ارائه راهکار مناسب در این عرصه می‌باشد.

#### واژگان کلیدی

جرم، ناامنی، محیط شهری، طراحی، معماری

۱. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، مدرس ارشد گروه علمی جغرافیا و اطلاعات دفاعی، دانشگاه

افسری و تربیت پاسداری امام حسین(ع)

۲. هیئت‌علمی گروه جغرافیا و اطلاعات دفاعی، دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین(ع)



## ۱. مقدمه

شهرها نظام پویایی هستند که در طول زمان به صورت مستمر تغییر شکل و عملکرد می‌دهند. روند حاکم بر تحول شهرهای بزرگ که مکان‌های زیست اکثریت جمعیت جهان در آینده خواهد بود گویای گسترش فقر، خشونت، ناامنی و... در آنهاست. (اردشیری، ۱۳۸۰، مجله شهر، شماره ۱۹)

شهرهای امروزی به موازات افزایش و گسترش جمعیت و فضاهاى کالبدی، با انواع مشکلات و آسیب‌های شهری مواجه هستند. در این راستا آنچه به صورت یک حقیقت ناخوشایند رخ می‌نمایند، گسترش بیش‌ازپیش جرم و جنایت در شهرها است که باعث ایجاد حس ناامنی و ترس در بین شهروندان گردیده است. (عباسی، ۱۳۸۷) گسترش فیزیکی شهرها در دو دهه اخیر در کشور ما بیانگر این موضوع و مؤید این مطلب است که در گسترش شهرها توجه بیشتر به طراحی و معماری غربی بوده و نه توجه به پتانسیل محیطی و سبک زندگی اسلامی، در این راستا شهرهای ما با انواع مشکلات روبرو هستند.

## ۲. بیان مسئله

محیط و طراحی و معماری شکل گرفته در آن در سطوح مختلفی رفتار را تحت تأثیر قرار می‌دهد. رفتارهای آنی، تابعی از وضعیتی هستند که در آن اتفاق می‌افتند. برای مثال، آرایش مبلمان و اثاثیه در یک اتاق بر شیوه تعامل افراد در آن اتاق با یکدیگر، تأثیر می‌گذارد. شخصیت مردم یک کشور، توسط طبیعت و نوع محیطی که برای مدتی طولانی در آن زندگی می‌کنند شکل می‌گیرد. تفاوت‌های نژادی در شخصیت تا حد زیادی، به تفاوت محیط‌هایی که مردم نژادهای مختلف برای چندین نسل در آن زیسته‌اند، بستگی دارد. (اقتباس نگارندگان از: موس، ۱۹۷۶) از آنجایی که محیط جغرافیایی شهر تجلیگاه و تبلور فضایی ایفای نقش انسان است و طراحی و معماری شکل گرفته در آن، در سطوح مختلفی رفتار اجتماعی انسان‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. پس توجه به نقش و تأثیر محیط و معماری بر رفتارهای اجتماعی بسیار مهم و ضروری به نظر می‌رسد. (اقتباس نگارندگان از: رهنمایی، ۱۳۸۹، ص ۷)

امنیت یک مقوله فرا بخشی است و همه دستگاه‌ها، نهادها و اقشار جامعه، به نوعی در





تولید آن نقش دارند. بنابراین، همکاری و هماهنگی نهادهای مختلف را می‌طلبد. برخورد با جرم و مجرم، برخورد با معلول است. از این رو، ضمن آنکه به موقع باید برخورد کرد، شناسایی و توجه به بسترها و زمینه آسیب‌ها و جرائم، به منظور پیش‌گیری از بروز و تشدید آن‌ها از ضروریات غیرقابل اغماض می‌باشد. در این بین توجه به طراحی و معماری در پیشگیری از جرم و بروز ناامنی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. امر مهمی که در دو دهه کمتر به آن توجه شده است. با توجه به موارد ذکر شده، مقاله حاضر می‌کوشد راهکارهای پیشگیری از وقوع جرائم و برقراری امنیت در شهرها را با تأکید بر معماری و طراحی شهری بازبینی نماید.

### ۳. روش‌شناسی

#### ۳-۱. روش‌شناسی تحقیق در فقه اسلامی و کلام بزرگان

✓ جرم: جرم در لغت به معنای گناه آمده است. (سیاح، احمد، فرهنگ جامع عربی، فارسی، ج اول، ذیل کلمه جرم.) و در اصطلاح، علیرغم تعاریف زیادی که از جرم شده هنوز هم این موفقیت به دست نیامده تا از جرم، آن چنان تعریفی به عمل آید که مورد قبول همگان قرار گیرد و در زمان و مکان واجد ارزش باشد و دلیل این امر نیز این است که پدیده جرم برحسب دانشمندان و محققان دارای مبانی و صور گوناگون بوده، به سخنی دیگر، آنچه از نظر یکی جرم محسوب می‌شود برحسب دیگری نه تنها ممکن است عنوان جرم به خود نگیرد، بلکه امکان دارد که حتی عملی پسندیده به شمار آید (شامبیاتی، هوشنگ، حقوق جزای عمومی، تهران، نشر ژوبین، آذر ۸۴، چاپ دوازدهم، ج اول، ص ۲۱۳)

✓ تعریف جرم در فقه اسلامی: جرم در زبان قرآن و به تبع آن در فقه اسلامی، عبارت است از انجام دادن فعل یا گفتن قولی است که شارع مقدس آن را منع کرده است. به عبارت دیگر افعال و اقوالی جرم تلقی می‌شوند که مغایر با احکام یا اوامر و نواهی باری تعالی باشند به طوری که در آیه دوازدهم سوره مائده «یجرمنکم» به معنای کارهای زشت و ناپسند وارد شده است و نیز لفظ «مجرمین» در آیه چهل و هشتم از سوره قمر نیز ناظر به اعمال و رفتار زشت کسانی است که در گمراهی به سر می‌برند. همین معنا را می‌توان از آیاتی که در باب انواع جرائم مشمول است قصاص نفس، قصاص عضو، دیه،



حد زنا، حد قذف، حد سرقت در قرآن کریم وارد شده است استشهد نمود. (ولیدی، محمد صالح، حقوق جزای عمومی تهران، بهار ۱۳۷۲، مرکز نشر داد ج دوم، ص ۱۳)

✓ سخن امام خمینی درباره جرم: امام خمینی (ره) نیز جرم را در معنای عام آن مورد توجه قرار داده و آن را شامل هر فعل حرام یا ترک واجب قابل مجازات دانسته‌اند. منتها شرطی را که قائل شده‌اند این است که لفظ جرم را برای گناهان کبیره استعمال کرده است به طوری که می‌فرمایند: «هر کس یکی از واجبات را ترک کند و یا یکی از محرمات را انجام دهد به امام (ع) یا نائب اوست وی را به کیفر تعزیر برساند به شرطی که فعل حرام از گناهان کبیره باشد.» (موسوی خمینی، امام روح‌الله، تحریر الوسيله، مکتبه العلمیه الاسلامیه، ۱۳۹۰ ق، ج دوم)

✓ تعریف علمای حقوق از جرم: علمای حقوق کیفری هر یک جرم را به گونه‌ای تعریف کرده‌اند. هر یک از این تعاریف، اغلب از گرایش‌های نظری مکتب‌های خاصی ملهم شده است. برای نمونه مکتب عدالت مطلق، جرم را «هر فعل مغایر اخلاق و عدالت» تعریف کرده است. یا بنا به تعریف گارو فالو یکی از بنیان‌گذاران دانش جرم‌شناسی، جرم عبارت است از تعرض به احساس اخلاقی بشر یعنی «جریحه‌دار کردن آن بخش از حس اخلاقی که احساسات بنیادی نوع خواهانه یعنی شفقت و درستکاری را شامل می‌شود.» (اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، تهران، نشر میزان، پاییز ۸۶، ج اول، ص ۱۱۹)

✓ جرم در قانون مجازات اسلامی: در قانون مجازات اسلامی از جرم تعریف نشده است، فقط در ماده ۲ قانون مجازات اسلامی در بیان اوصاف جرم آمده است: «هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم تلقی می‌شود».

## ۲-۳. تقسیمات کلی جرم

✓ جرم کیفری: جرم کیفری به معنای عام، عبارت است از هر فعلی که به موجب قوانین کیفری انجام دادن و یا ترک آن با مجازات مقرر توأم باشد؛ مانند قتل، کلاهبرداری، سرقت و غیره از حیث عنصر قانونی جرم کیفری بنا به اصل قانونی بودن جرائم، فعل خاصی است که در قانون تصریح شده است؛ و از حیث عنصر مادی جرم کیفری ممکن است مستقل از زیان و خسارت‌های مادی تحقق یابد. (اردبیلی، محمدعلی، همان، ص ۱۲۱)



✓ **جرم مدنی:** به فعلی اطلاق می‌شود که من غیر حق، زبانی به دیگری وارد و فاعل را به جبران آن ملتزم کند و ممکن است نصّ خاصی در قانون نداشته باشد مثل ماده ۳۲۸ قانون مدنی: «هر کس مال غیر را تلف کند ضامن آن است و باید مثل یا قیمت آن را بدهد اعم از اینکه از روی عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد و اعم از اینکه عین باشد یا منفعت و اگر آن را ناقص یا معیوب کند ضامن نقص قیمت آن مال است.» (اردبیلی، محمدعلی، همان، ص ۱۲۱)

✓ **جرم انتظامی:** تخلف انتظامی عبارت است از نقض مقررات صنفی یا گروهی که اشخاص به تبع عضویت در گروه آن را پذیرفته‌اند. درواقع، جامعه کوچکی مانند کانون‌های صنفی و کلا، سردفتران، پزشکان و... مانند جامعه بزرگ مکتبی به اصول و مقرراتی است که حافظ نظم و بقای گروه یا اتحادیه صنفی و حرفه‌ای است. (اردبیلی، محمدعلی، همان، ص ۱۲۳)

### ۳-۳. عناصر تشکیل دهنده جرم

✓ **عنصر قانونی جرم:** منظور از عنصر قانونی، این است که برای تشخیص این که آیا عملی یا ترک عملی جرم است یا خیر؟ باید بلافاصله به مرجع تشخیص جرائم یعنی قانون‌گذار مراجعه کرد. پس عنصر قانونی حکایت دارد از اینکه هیچ عملی را هرچند زشت و ناپسند و مذموم باشد، نمی‌توان جرم دانست مگر آنکه قانون‌گذار آن را جرم شناخته باشد. (شام بیاتی، هوشنگ، همان، ص ۲۳۶)

✓ **عنصر مادی جرم:** برای اینکه جرمی وجود خارجی پیدا کند پیدایش یک عنصر مادی ضرورت دارد و شرط تحقق جرم آن است که قصد سوء ارتکاب عمل خاصی دست کم به مرحله فعلیت برسد؛ بنابراین قصد باطنی زمانی قابل مجازات است که تظاهر خارجی آن به صورت عملی مغایر با اوامر و نواهی قانون‌گذار آشکار شود؛ و عامل درونی ذاتی از قبیل فکر و طرح و قصد تا زمانی که در همین مرحله بماند از تعقیب جزائی مصون می‌مانند. (اردبیلی، محمدعلی، همان، ص ۲۰۸)

✓ **عنصر روانی جرم:** برای تحقق جرم نقض اوامر و نواهی قانون‌گذار به تنهایی کافی نیست. فعل مجرمانه باید نتیجه خواست و اراده فاعل باشد به سخن دیگر، میان فعل مادی و



حالات روانی فاعل باید نسبتی موجود باشد تا بتوان مرتکب را مقصر شناخت ارتکاب جرم یا تظاهر نیت سوء است یا خطای مجرم، مشروط بر اینکه فاعل جنین فعلی را بخواهد یا دست کم وقوع آن را احتمال دهد و به نقص اوامر و نواهی قانون گذار آگاه باشد.

✓ عنصر اخلاقی جرم: شخص بایستی دارای قصد مجرمانه و شعور و اراده باشد بنابراین اشیاء و حیوانات نمی توانند مجرم باشند (مسئولیت جزایی اشخاص حقوقی)

✓ مکان وقوع جرم: مکان در کانون بررسی های جغرافیایی قرار دارد و به بخشی از فضا که به وسیله انسان اشغال شده است اطلاق می شود (لذا مکان می تواند یک ساختمان، یک شهر، یک کشور باشد) درواقع مکان مرکز عمل آگاهانه و ارادی انسان هاست و علت افتراق مکان ها، تمرکز از روش ها، دیدگاه ها و هدف ها و تجربه های مختلف در آن هاست.

**هویت هر مکان از سه عامل درهم تنیده تشکیل می شود**

✓ عوامل مشخص طبیعی و نمود ظاهری آن

✓ فعالیت های مشاهده پذیر و کارکردها

✓ مفاهیم یا نمادها

در داخل هر یک از این سه عامل تعداد زیادی از مفاهیم و شرایط و عناصر موجود است که با شیوه های بی شمار، می توانند با یکدیگر ترکیب بشوند و هویت ویژه ای را سامان دهند. هویت یابی هر مکان، ویژه همان مکان می باشد (شکویی ۱۳۷۵: ۲۷۵)

**۳-۴. بررسی جرائم بر اساس موضوع جرم**

بررسی جرائم بر اساس موضوع جرم به سه دسته ۱. جرائم علیه اشخاص ۲. جرائم علیه اموال ۳. جرائم علیه امنیت تقسیم می شود.

✓ جرائم علیه اشخاص: این نوع از جرائم جزء جرائم هیجانی و یا اتفاقی قرار می گیرند که در این حالت بحث پیشگیری از طریق طراحی محیطی تا اندازه زیادی منتفی می گردد.

✓ جرائم علیه اموال: در بسیاری از این جرائم از آنجاکه مرتکب دست به اقدام منطقی نزده و محاسبه سود و زیان خود را نمی کند، اقدامات پیشگیرانه از طریق طراحی



محیط ناکارآمد می‌گردند.

✓ جرائم علیه امنیت: به‌طور کلی می‌توان گفت تصمیم مجرمانه به ارتکاب هر جرم تابع شرایط و عوامل خاص خود است که شناخت آن‌ها به‌نوبه خود، تأثیر به‌سزایی در معرفی امکان و نحوه پیشگیری آن وجود دارد.

طراحی محیط فیزیکی از طریق تأثیر بر رفتار می‌تواند انگیزه مرتکب را تا حد زیادی تحت تأثیر قرار می‌دهد از طریق هدایت انگیزه و کنترل آن می‌توان ارتکاب جرم را به حداقل رساند.

### ۳-۵. بررسی جرم بر اساس فرصت ارتکاب جرم

✓ جرائم کینه‌توزانه: در این حالت فرد سعی دارد تا از طریق ورود خسارت به فرد دیگر، حالت درونی و روانی خویش را ارضاء کند. این جرائم را می‌توان به دودسته جرائم آنی و جرائم با سبق تصمیم تقسیم کرد. در جرائم آنی استفاده از محیط فیزیکی جهت پیشگیری کارایی چندانی نخواهد داشت؛ اما در جرائم باسبق تصمیم می‌توان از طریق طراحی محیط اقدام به پیشگیری از وقوع جرم نمود. در جرائم کینه‌توزانه معمولاً استفاده از طراحی محیط نتیجه‌بخش نیست. در این‌گونه موارد فرد در پی آن است که به هر قیمتی جرم را مرتکب شده، بنابراین در این قبیل موارد ایجاد موانع فیزیکی نه‌تنها از وقوع جرم جلوگیری نمی‌نماید بلکه برعکس باعث تحریک و عصبانیت بیشتر وی شده و جرمی شدیدتر از جرم مدنظر فرد را باعث گردد. با این حال در این‌گونه جرائم، طراحی محیطی و ایجاد موانع فیزیکی فقط می‌تواند اندکی، وقوع جرم را به تعویق اندازد و در صورت مجهز بودن پلیس و نهادهای جرم‌یابی می‌توان به دخالت به‌موقع و جلوگیری از جرم، توسط پلیس خوش‌بین بود.

✓ جرائم فرصت‌مدارانه: این نوع از جرائم، جرائمی هستند که فرد به دنبال فرصت و موقعیت مناسب می‌گردد و هرکجا که فرصت و موقعیت مناسب پیدا نماید، دست به ارتکاب جرم خواهدزد و طبیعی است که در این حالت، ارتکاب جرم به هر قیمتی نیست بلکه ارتکاب جرم حداقل خطر و هزینه می‌باشد. در مورد این جرم شاید بتوان ادعا نمود که ایجاد موانع فیزیکی بهترین راه جلوگیری و پیشگیری از وقوع جرم باشد.



✓ جرائم کینه‌توزانه به همراه جستجوی فرصت: در این نوع جرائم منظور از ارتکاب جرم انتقام و کینه‌توزی است اما باید توجه داشت که این انگیزه به آن حد نیست که فرد انجام عمل را به هر قیمتی بخواهد. در این موارد فرد همیشه به دنبال یک فرصت مناسب جهت ارتکاب جرم می‌باشد؛ بنابراین چنانچه وی فرصت مناسب جهت ارتکاب عمل مجرمانه خود را به دست نیاورد از ارتکاب آن منصرف می‌شود. در مورد این‌گونه جرائم از آنجاکه فرد قصد ارتکاب جرم را روی موضوع خاصی دارد می‌توان با استفاده ابزار اجتماعی و فرهنگی وی را از ارتکاب جرم بازداشت و به وی اطمینان داد که در صورت مداخله پلیس و دستگاه قضائی، عدالت واقعی در بسیاری از موارد به‌طور نسبی اجرا خواهد شد.

### ۳-۶. چگونگی کاهش جرم و ناامنی در محیط شهری

✓ تعیین قلمرو مالکیت: مردم با احساس مالکیتی که نسبت به اموال خود دارند، از آن محافظت می‌کنند. قرار دادن دیوار، حصار، نرده، تابلو و علائم هشداردهنده، حریم فیزیکی مناسبی هستند که حدود مالکیت را مشخص می‌کنند. لذا با تعیین مالکیت‌های شخصی می‌توان موانعی بر سر راه مجرمین و متجاوزین ایجاد نمود.

✓ مراقبت‌های معمولی: بدون شک یک مجرم نمی‌خواهد در حال ارتکاب جرم دیده شود. داشتن دید مناسب از درون ساختمان‌ها و یا نورپردازی بهتر، به شکل مؤثری می‌تواند مراقبت‌های طبیعی معابر، خیابان‌ها و حریم اطراف منازل و ساختمان‌ها را افزایش داده، میزان جرم را کاهش بدهد.

✓ فعالیت حمایتی: ترغیب مردم به برخی فعالیت‌ها در فضاهای عمومی مانع بروز جرم است، وجود یک فضای تفریحی و ورزشی مثل زمین بسکتبال داخل پارک، احساس مالکیت و تشریک‌مساعی و نظارت عمومی را در مردم بیشتر کرده و از وقوع جرائم بکاهد.

✓ کنترل و نگهداری: چنانچه ورودی مجتمع‌های ساختمانی، پارکینگ‌های عمومی، ادارات و مراکز تفریحی به‌طور مناسب کنترل و نگهداری شوند، خودبه‌خود فعالیت مجرمین محدود شده و جرائم کمتر اتفاق می‌افتد.



✓ شناخت فضاهای غیرقابل دفاع: اصول عملی بر قابل دفاع کردن فضاها در پیش‌گیری از وقوع جرم، نظریه فضاهای قابل دفاع، در خصوص کاهش فرصت‌های جرم به بحث می‌پردازد. از این‌رو شناخت این فضاها از اهمیت بسیاری برخوردار است.

### ۷-۳. نظریات مرتبط با چگونگی پیشگیری از وقوع جرم و ناامنی از طریق طراحی محیط

#### ● نظریه‌های محققین cpted نسل اول

نظریات مرتبط با پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی با اندیشه‌های الیزابت وود شروع شد. از جمله نظریات مهم نسل اول عبارت‌اند:

استفاده از تسهیلات رفاهی: در اوایل دهه ۱۹۶۰، جامعه‌شناس آمریکایی الیزابت وود به بحث و تحقیق در مورد مسکن پرداخت. او بر نیاز به مدیرانی تأکید کرد که بتوانند دوستانه و از نزدیک با شهروندان کار کنند و افکار خود را بر پیشرفت فیزیکی و طراحی مجدد فضاهای دولتی و نیمه‌دولتی متمرکز کنند.

نظریه استفاده از الگوی قدیمی طراحی خیابان‌ها: از نظر جان جاکوبز در خصوص نقش پیشگیرانه خانه‌های جدید تنها در صورتی موفق خواهیم بود که از الگوهای قدیمی خیابان‌ها با مصارف پیچیده پیروی کنیم. وی به منظور نشان دادن این موضوع که چگونه پیشرفت‌های جدید خانه‌سازی با شکست روبه‌رو شده‌اند، توجه خود را به وقوع بالای جرم معطوف کرد.

نظریه فضاهای قابل دفاع: اسکار نیومن، در کتاب خود با عنوان فضای قابل دفاع و پیشگیری از جرم با استفاده از طراحی شهری، نظریه‌های خود را بر اساس دستیابی به آمار مربوط به شکل فیزیکی خانه‌سازی در نیویورک قرارداد. تأکید اصلی نیومن، بر فضای قابل دفاع بود. فضاهای قابل دفاع نیومن، چهار عضو اصلی طراحی داشت. این عناصر به صورت جداگانه یا در کنار هم در مفهوم فضای قابل دفاع نقش داشتند. این مفاهیم عبارت‌اند از:

✓ قلمرو: نیومن معتقد بود که با استفاده از حصارهای واقعی یا نمادین، می‌توان محیط‌های مسکونی را به مناطقی تقسیم‌بندی کرد و با استفاده از این عبارت، می‌توان ساکنین را کنترل کرد که این حصارها به‌طور ضمنی در ذهن سایر افراد این باور را



ایجاد می‌کند که این محدوده من است.

✓ **نظارت:** نیومن یکی دیگر از عناصر تشکیل‌دهنده فضاهای قابل دفاع را نظارت طبیعی می‌داند. از نظر وی، نظارت طبیعی را می‌توان از طریق طراحی ایجاد کرد. که در این خصوص مواردی به شرح ذیل پیشنهاد می‌دهد.

در خصوص پنجره‌ها، باید به این نکته توجه داشت که پنجره‌ها نباید تنها به دلیل زیبایی در داخل ساختمان قرار داده شده باشد بلکه باید بتوان از طریق آن‌ها مراقب فضاهای داخلی و خارجی ساختمان بود.

ورودی جلوی ساختمان باید رو به خیابان باشد. این ورودی باید به گونه‌ای باشد که با عبور عابرین پیاده و راننده‌ها، بتوان هر چیز جالبی که اتفاق می‌افتد را دید. پله‌های اضطراری باید شیشه‌ای بوده و در خارج از ساختمان قرار گرفته باشند که از این طریق بتوان عابرین پیاده را در جلوی ساختمان مشاهده کرد.

تصویر ساختمان به این معنی که به نظر نیومن چنانچه ساختمانی در یک محل به گونه‌ای ساخته شود که شکل و نمای کاملاً متفاوت نسبت به بقیه ساختمان‌ها داشته باشد می‌تواند جلب توجه کند.

نیومن همچنین به این مطلب اشاره دارد که خانه‌های مسکونی باید در کنار تسهیلات تجاری و اجتماعی باشند. این موضوع به پیشرفت امنیت در یک منطقه کمک می‌کند. از نظر وی پارک‌ها و زمین‌های بازی باید به گونه‌ای باشند که از داخل خانه قابل رؤیت باشند. از این رو این مناطق نباید چندان از خانه‌ها و مناطق مسکونی دور باشند.

✓ **نظریه توزیع جرم:** اتریشیا و برانتینگهام به این نتیجه دست یافتند که نیمی از بزهکاران در یک منطقه بزرگ، مانند شهر یا یک ناحیه خاص، بیشتر به صورت مخفی زندگی می‌کنند تا علنی. آنان به این مسئله پی بردند که تفاوت چشمگیری بین محوطه‌های خاص و تعداد جرائم صورت گرفته وجود دارد، اما این تفاوت‌ها در این مناطق توزیع شده بودند. آن‌ها به بررسی این موضوع پرداختند که جرائم در کجا رخ می‌دهد و آیا بین محیط اطراف تمایزی وجود دارد.

✓ **نظریه مدیریت افراد و محیط:** ران کلارک در کتاب خود تحت عنوان طراحی عاری از جرم راهبردهای مختلفی در خصوص جلوگیری از جرم ارائه داد. استراتژی‌های

پیشنهادی او عبارت‌اند از:

۱. استفاده از مواد سخت و پنجره‌های محکم
۲. جابجایی و انتقال هدف برای مثال تلفن‌های خراب را می‌توان از محل خود برداشت.
۳. کاهش مزایا برای بزه‌کاران به‌عنوان مثال کالاهای ارزشمند را با حک کردن کد پستی و شماره خانه مشخص کرد این کار باعث می‌شود که فروش اجناس دزدی مشکل شود.
۴. مراقبت و نظارت رسمی که از طریق پلیس و مؤسسات امنیت خصوصی انجام داد.
۵. مدیریت محیط به‌عنوان مثال جلوگیری از تجمع درصد بالایی از جوانان در یک مجتمع و عدم رفت‌وآمد عموم در جایی که مغازه‌ها بسته است.

### ● نظریه‌های محققین cpted نسل دوم

در دوره دوم، می‌توان به نظریه‌هایی از این قبیل اشاره کرد:

✓ نظریه معماری عامل تعیین‌کننده رفتار: کلمن در کتاب خود به بررسی و تحقیق در مورد ساختمان‌های بلند و آپارتمان‌های دوبلکس پرداخت و مسائلی از قبیل ریختن زباله، دیوارنویسی‌های مستهجن، خشونت و آسیب‌های جنسی را مورد مطالعه قرار داد. تحقیقات او نشان داد که هرچه طرح‌های ضعیف‌تری در یک منطقه ساخته شده باشند، مشکلات اجتماعی شایع‌تر خواهد بود.

✓ نظریه بهبود منظره: گرانلاند با بررسی پروژه‌های مختلف پیشنهاد می‌کند که طراحی بیشتر باید به شکل‌های سنتی پیشرفت نماید. وی نشان داد که فضاهای خارجی که به‌خوبی سازمان‌یافته باشند و منظره بهتری نسبت به در ورودی داشته باشند، بهتر می‌توانند از وقوع جرم و تخریب جلوگیری کنند.

✓ نظریه کوچک‌سازی محله‌ها: این نظریه در سال ۱۹۷۲، توسط گری کلوند مطرح گردید وی به بررسی طرح سلخت محیط به‌عنوان اولین اقدام ایجاد جوامع پایدار و سالم پرداخت. وی اقدام به بررسی استانداردهای طراحی محیط فیزیکی و ارتباط آن با زندگی افراد کرده است. این استانداردها عبارتند از: اندازه منطقه، فراهم آوردن تسهیلات به‌خصوص کلپ‌هایی برای جوانان. حضور ساکنین شهر، مسئولیت ساکنین شهر، اهمیت مکان‌های ملاقات شهری که بدون آن‌ها اماکن شهری خالی و خطرناک خواهد بود. وی برای رسیدن به





این استانداردها پیشنهاد می‌کند که محله‌ها را باید کوچک‌تر ساخت.

✓ **نظریه ترکیب فضا:** بیل هیلیر به بررسی اصلاح مناطق شهری از طریق طراحی شهری پرداخت. وی نظرات خود را در قالب تئوری ترکیب فضا مطرح ساخت. ترکیب فضا، ابزار توضیح دیدگاه‌های اجتماعی در رابطه با روابط بین رفتار انسان و استفاده از فضا است. وی بیان داشت که مهم‌ترین عامل در بررسی معماری، ویژگی‌های قابل‌رویت نمی‌باشد بلکه باید به ویژگی‌ها و تأثیرات طراحی غیر عینی نیز توجه داشت.

۱. مفهوم فضاهای بدون دفاع: فضاهایی که ساختار آن‌ها ارتکاب اعمال مجرمانه راحت می‌کند، فضاهای بدون دفاع نامیده می‌شوند. فضاهای بدون دفاع، مکان‌هایی هستند که به کسی تعلق ندارند و کسی از آن‌ها نگهداری و مواظبت نمی‌کند و از دیدها محفوظند، بنابراین فضاهای دنج و مطمئنی برای فعالیت‌های غیرمجاز محسوب می‌شوند. به‌عنوان مثال: زیر پل‌های شهری، داخل گذرهای زیرزمینی، پل‌های هوایی، زمین‌های متروکه، خرابه‌ها و ....

۲. انواع کارکردهای فضاهای بدون دفاع از کم‌ضررترین عملکرد تا پرضررترین: حاشیه‌نشینی، کارتن‌خوابی، گذاشتن زباله، ادرار در فضای باز، تكدی، محل تجمع ولگردان، انواع سرقت‌ها، تعرض به زنان و دختران، قتل و... هر فرم فضایی، پذیرای نوع خاصی از آسیب‌هاست؛ بنابراین هر آسیبی در هر فضایی اتفاق نمی‌افتد. به‌طور مثال، یک جیب‌بر به فضای پرازدحام نیاز دارد در صورتی که یک معتاد برای استفاده از مواد مخدر به فضایی نیاز دارد که دنج بوده و قابل‌رویت نباشد. با توجه به ساختار و فرم فیزیکی فضا، می‌توان گونه‌های مختلفی از فضا را ارائه نمود و کارکردهای هر کدام را با عنایت به هر گونه خاص برشمرد.

### ۳. گونه‌های فضاهای بدون دفاع

- ✓ نداشتن متولی یا عدم حضور مالک: تجمع ولگردان و استفاده از مواد مخدر
- ✓ ساختمان نیمه‌تمام و متروکه: تصرف مردم به‌عنوان سرپناه، اعمالی که نیاز به اختفاء دارند، استفاده از مواد مخدر
- ✓ رویت ناپذیر بودن، فضای گم: زورگیری، تجاوز، آزار و اذیت مخصوصاً دختران
- ✓ کنج‌ها: گذاشتن زباله، توقف جوانان بیکار



- ✓ طرح‌های در دست اجرا یا ره‌اشده: استعمال مواد مخدر
- ✓ نبود روشنایی: کیف‌قاپی، سرقت
- ✓ سطوح L و U شکل کوچه‌ها و خیابان‌ها: گذاشتن زباله
- ✓ زیرگذرها و زیر پل‌ها: استفاده از مواد مخدر، قمار، کارتن‌خوابی
- ✓ فضاهای بدون کارکرد یا دارای کارکرد متناوب: فضاهای مقابل ادارات، درب خروجی سینما که در ساعاتی از روز دارای کارکرد بوده و در ساعاتی کارکرد خود را به علت تعطیل بودن از دست می‌دهد.

ده اصل مهم در دیدگاه فرصت بزهکاری مطرح شده است که عبارت‌اند از:

۱. فرصت‌ها در وقوع تمامی جرائم نقش دارند.
۲. هر بزهکار و هر جرمی دارای فرصت‌های خاص خود هستند.
۳. فرصت‌های بزهکاری در زمان و فضا متمرکز شده‌اند.
۴. فرصت‌های بزهکاری تحت تأثیر جابجایی‌های روزانه‌ی فعالیت‌ها هستند.
۵. یک بزه فرصت‌هایی برای ارتکاب جرائم دیگر ایجاد می‌کند.
۶. برخی کالاها و محصولات فرصت‌های بزهکاری و سوسه‌انگیزی ایجاد می‌کند.
۷. دگرگونی‌های اجتماعی، فناوری و فرصت‌های بزهکاری جدیدتری ایجاد می‌کند.
۸. کاهش فرصت‌ها در کاهش نرخ بزهکاری مؤثر است.
۹. کاهش فرصت‌ها منجر به جابجایی بزهکاری نمی‌شود.
۱۰. کاهش متمرکز فرصت‌ها بزهکاری را به میزان بیشتری کاهش می‌دهد (کلانتری،

قزلباش، ۱۳۸۷: ۳۱)

### عناصر اصلی مؤثر در میزان آسیب‌پذیری اهداف مجرمانه

- ارزش: بزهکاران معمولاً به اهدافی علاقه‌مندند که به گونه‌ای دارای ارزش باشد.
- اینرسی: اینرسی به بیان ساده وزن یک شی است که امکان جابجایی آن را فراهم می‌کند.
- قابلیت دید: منظور از قابلیت دید در معرض دید بودن هدف مجرمانه است؛
- دسترسی: عامل دسترسی به الگوی خیابان‌ها اشاره دارد. محل قرارگیری اشیاء یا هر



ویژگی دیگری که رسیدن یک مجرم به هدف مجرمانه‌اش را آسان‌تر کند، در واقع افراد در حین انجام فعالیت‌های روزانه فرصت‌هایی را برای ارتکاب جرم پدید می‌آورند. در صورت وجود اهداف مجرمانه بیشتر بدون این که تعداد مجرمان بیشتر شود، میزان جرائم افزایش خواهد یافت. همچنین اگر بزه‌کاران بتوانند به راحتی و بدون هیچ نظارتی به اهداف مجرمانه خود دست یابند، میزان بزهکاری افزایش خواهد یافت. با تغییر جریان زندگی در یک جامعه امکان ایجاد فرصت‌های بزهکاری بیشتری فراهم می‌شود، بدون اینکه انگیزه بزهکاری مجرمان افزایش یابد.

## تأثیر محیط اطراف در کاهش ارتکاب جرم و ناامنی

### ۱. مسکن و نقش جرم‌زایی آن

مسکن هر خانواده‌ای نشانگر سطح اجتماعی و اقتصادی والدین آن خانواده است. والدین با انتخاب محل جغرافیایی مسکن خویش، مستقیماً اطرافیان اجتماعی کانون خانواده خود را در جامعه انتخاب می‌نمایند و موقعیت کانون خانواده به نوبه خود و در حد وسیعی به برخورد کودک با انواع الگوها و سرمشق‌های رفتار دامن زده و از این رهگذر اثرات خوب یا بدی حسب مورد در شکل‌گیری شخصیت کودک بجا می‌گذارد. اگر کانون خانواده در منطقه‌ای قرار گرفته که هر روز و بلکه هر ساعت مملو از وقوع جرائم مختلفی می‌باشد احتمال برخورد کودک با نمونه‌های متعددی از بزهکاری بیشتر است، نسبت به منطقه‌ای که این اعمال مجرمانه در آن بندرت اتفاق می‌افتد. نتیجه اینکه برخورد و مواجهه با اعمال مجرمانه تأثیر مستقیم در افزایش اعمال مجرمانه دارد.

### ۲. ساکنان مسکن و نقش جرم‌زایی آن‌ها

مسکن اگر فاقد حداقل استانداردهای مورد پذیرش شهر سازان و جامعه‌شناسان و جرم شناسان نباشد و مساحت آن به نسبت ساکنین آن کمتر باشد چه بسا آثار سوء و شومی بر ساکنین آن منزل و علی‌الخصوص به کودکان و نوجوانان آن منزل خواهد داشت. از جمله این آثار سوء تحت تأثیر قرار دادن حیات جنسی کودکان و نوجوانان می‌باشد. نتیجه تحقیقات انجام شده در مرکز وکرسون فرانسه نشانگر این است که حدود





۲۳/۴ درصد از موارد بزهکاری ناشی از کثرت جمعیت داخلی منزل می‌باشد. همچنین کثرت جمعیت در محلاتی که از خانواده‌های محقر و ناسالم تشکیل شده میزان بزهکاری بیشتر از سایر محلات است.

### ۳. ارزش مسکن، به بیان دیگر کیفیت مسکن و نقش جرم‌زایی آن

کیفیت مسکن مؤثر در بروز بیماری‌ها و نیز مؤثر در بزهکاری است. نتیجه تحقیقات جرم‌شناسان مبین این امر است که تأثیر کیفیت مسکن در بزهکاری ۴ برابر بیشتر از تأثیر آن در بیماری است و حدود ۱۷ درصد از بزهکاران و ۴ درصد از بیماران در خانه‌های پست و کثیف منزل داشته‌اند.

### ۴. همسایگان و نقش جرم‌زایی آنان

رفتار و برخورد همسایگان در شکل‌گیری شخصیت کودکان و نوجوانان تأثیر بسزایی دارد و این رفتارها و برخوردها می‌تواند در شکل‌گیری شخصیت ضداجتماعی نقش مؤثری را ایفا نماید.

### سایر نظریات مرتبط با جرم

✓ **نظریه ارتباط جرم با تراکم جمعیت:** این نظریه توسط آنگلز (Angels) مطرح شد اساس این نظریه، ارتباط تراکم جمعیت و جرم می‌باشد. وی در سال ۱۹۶۸ به مطالعه و بررسی جرائم خیابانی در کالیفرنیا پرداخته و توانسته ارتباط بین جرم و تراکم جمعیت را اثبات نماید. (اقتباس نگارندگان: از کلانتری، ۱۳۸۰: ۸۰)

✓ **نظریه فشار اجتماعی:** این نظریه به‌طور رسمی در سال ۱۹۸۳ توسط «رابرت مرتن» مطرح گردیده است از این نظریه بانام «فشار ساختاری» نیز یاد می‌شود. این نظریه، عامل انحرافات اجتماعی را فشارهای اجتماعی وارده بر فرد می‌داند. فشارهایی که به‌طور عمده ناشی از فقر ایجاد می‌شود. جامعه‌شناسان، ساختارهای اجتماعی نامناسب را عامل ایجاد و تشدید چنین فقر تحمیلی بر فرد می‌دانند.

این نوع فشار اجتماعی موجب عدم موفقیت فرد در دستیابی به اهدافش در زندگی



می‌گردد؛ و همین امر می‌تواند زمینه را برای گرایش به آسیب‌های اجتماعی مختلف فراهم سازد.

✓ **نظریه گسست هدف - وسایل:** این نظریه نیز که توسط مرتن مطرح گردیده است به این موضوع اشاره دارد که انحراف در جامعه رواج دارد، زیرا جامعه افراد را جهت دستیابی به موفقیت ترغیب می‌کند بدون آن که فرصت‌ها و شرایط برابر و مناسبی را برای نیل به این موفقیت فراهم سازد. این امر سبب ایجاد نوعی گسست میان هدف و وسایل دستیابی به آن می‌گردد و زمینه را برای بروز کجروی و انحراف اجتماعی فراهم می‌سازد.

✓ **نظریه محرومیت پایگاهی:** این نظریه که توسط «آلبرت کوهن» در حوزه‌ی جامعه‌شناسی انحرافات و آسیب‌شناسی اجتماعی مطرح گردیده مبتنی بر این است که انحراف در میان نوجوانان و جوانان طبقات پایین جامعه بیش‌تر رواج دارد. زیرا آن‌ها نمی‌توانند در محیط مدرسه در میان طبقات متوسط و بالای جامعه کسب پایگاه اجتماعی نمایند. این محرومیت پایگاهی (از طبقه‌ی بالاتر) زمینه را برای انحراف اجتماعی فراهم می‌سازد.

✓ **نظریه فرصت نامشروع:** این نظریه را دو تن از جامعه‌شناسان معروف به نام‌های «کلووارد» و «اوهلین» مطرح کرده‌اند. این نظریه بیان می‌دارد که جوانان و نوجوانان طبقات پایین احتمال دارد که دست به رفتارهای بزهکارانه بزنند؛ اگر فرصت‌های نامشروعی برای آن‌ها فراهم گردد.

✓ **نظریه یادگیری:** این نظریه اشاره به این امر دارد که انحراف رفتاری است آموخته‌شده. به عبارت دیگر فرد یاد می‌گیرد که چگونه دست به انحرافات اجتماعی بزند. «بروس کوین» در این زمینه نظر جالبی دارد و می‌گوید: «برای آن که شخص جنایتکار شود، نخست باید بیاموزد که چگونه می‌توان جنایت کرد».

✓ **نظریه معاشرت ناهمگون:** این نظریه در جامعه‌شناسی انحرافات «نظریه ارتباطات افتراقی» نیز نامیده می‌شود و در میان نظریه‌های مختلف جامعه‌شناسی از شهرت و اعتبار زیادی برخوردار می‌باشد. «ادوین ساترلند» این نظریه معروف را مطرح ساخته است. در این نظریه بر نقش دوستان ناباب و معاشران نامطلوب در گرایش به رفتارهای انحرافی تأکید شده است. ساترلند معتقد است اگر افراد با گروه‌ها و یا دوستانی که



معتقد به انجام رفتارهای انحرافی‌اند بیش‌تر از افراد غیر معتقد معاشرت کنند، زمینه‌ی بروز انحرافات اجتماعی در آن‌ها بیش‌تر می‌شود.

✓ **نظریه همانند گردی افتراقی:** این نظریه که توسط جامعه‌شناسی به نام «گلیزر» مطرح گردیده اشاره به این امر دارد که اگر افراد خودشان را با کجروها و منحرفین بیش‌تر از غیر کجروها همانند سازند احتمال گرایش به انحرافات در آن‌ها افزایش می‌یابد.

✓ **نظریه تقویت یا پاداش‌دهی افتراقی:** این نظریه را دو تن از جامعه‌شناسان بانام‌های «بورگس» و «آکرز» مطرح نموده‌اند. این دو معتقدند که اگر به افراد منحرف به خاطر انحراف گذشته‌شان، به‌جای تنبیه شدن، پاداش داده شود و آن‌ها به خاطر انحرافشان مورد تشویق نیز قرار گیرند، به‌طور مداوم دست به اعمال انحرافی می‌زنند.

✓ **نظریه کنترل یا نظارت اجتماعی:** این نظریه ریشه در مفهوم همبستگی اجتماعی دورکیم دارد. به این معنی که تضعیف همبستگی اجتماعی زمینه‌ی بروز کج روی اجتماعی را فراهم می‌کند؛ چراکه روند کنترل یا نظارت اجتماعی را مختل می‌سازد. جامعه‌شناس دیگری به نام «تراویس هیرشی» نظریه دورکیم را بسط داد و بانام کنترل یا نظارت اجتماعی مطرح نمود. به‌طور کلی این نظریه معتقد است که فقدان کنترل یا نظارت اجتماعی در جامعه موجب کجروی یا انحراف می‌گردد.

✓ **نظریه تعهد اجتماعی و خودکنترلی:** این نظریه درواقع ادامه و بسط نظریه قبلی هیرشی می‌باشد. از دیدگاه هیرشی اگر تعهد افراد نسبت به جامعه و نیز خودکنترلی آن‌ها (نظارت بر اعمال خود توسط خود) تضعیف گردد، آن‌ها به سمت رفتارهای انحرافی گرایش می‌یابند.

✓ **نظریه گسست شرمساری:** این نظریه را در جامعه‌شناسی انحرافات، «برایت وایت» مطرح نموده است. وی معتقد است که اگر افراد به‌واسطه‌ی ارتکاب به اعمال خلاف و انحرافاتشان، احساس شرمساری نکنند و خود را متعهد به جامعه و عضوی از آن تلقی نکنند، زمینه برای ارتکابشان به انحرافات اجتماعی بیش‌تر فراهم می‌گردد.

✓ **نظریه جرات بخشی:** این نظریه بر این تأکید دارد که اگر به مجازات افراد منحرف با سرعت، قاطعیت و شدت رسیدگی نشود و آن‌ها این موضوع را دریابند، برای ارتکاب جرائم، جرات و جسارت بیش‌تری می‌یابند.



✓ **نظریه انگ یا برجسب زنی:** نظریه پردازان اصلی آن را «هوارد بکر»، «ادوین لمبرت» و «توماس شف» تشکیل می دهند. این نظریه پردازان، انگ یا برجسب خوردن افراد را عامل مهم انحرافات آن ها می دانند. شخص، مطلوب یا نامطلوب، آگاهانه یا ناآگاهانه، برجسب منحرف می خورد و در نتیجه تصویری جدید از خود می سازد و رفتارهای متناسب با آن را آغاز می کند. به عبارت دیگر رفتارها، شکل انحرافی می یابند نا همنوایی مداوم توسط کسی که برجسب انحراف را پذیرفته است، ایجاد می شود.

✓ **نظریه تضاد:** این نظریه که ریشه های آن در افکار برخی جامعه شناسان کلاسیک نظیر «کارل مارکس» و «رالف دارندورف» وجود دارد، به طور کلی بر پیامدهای شخصی و اجتماعی تمرکز ثروت و قدرت در دست عده ای محدود تأکید می کند. نقطه ای عطف این نظریه آن است که گروه های ثروتمند و قدرتمند جامعه دارای علایق مشترک اقتصادی و سیاسی اند و بیش تر برگزیدگان قدرت، از قدرت سیاسی خود برای تدوین و اجرای معیارهای قانونی حامی منافع خود استفاده نموده و یا درواقع سوءاستفاده می کنند. این امر به نوعی ایجاد تضاد می کند و شکاف طبقاتی را توسعه می بخشد و زمینه ی افزایش جرائم اجتماعی را فراهم می سازد.

✓ **نظریه سفر مجرمانه:** یکی از موضوعات مهم دانش جغرافیا مکان یابی سکونت و فعالیت انسانی در سطح فضا از طریق نظریه های مکانی است. به کمک این نظریات می توان محل استقرار بهینه فعالیت ها، افراد و رخدادهای اجتماعی را در یک محدوده جغرافیایی مشخص نمود. مبانی نظری تئوری های مکانی را می توان در بررسی های جغرافیایی جرم مورد استفاده قرارداد. دیدگاه سفر مجرمانه بر پایه بررسی دو عامل مکان و فاصله سفرهایی که مجرمین برای ارتکاب جرم خود انجام می دهند استوار است. گرچه اصطلاح سفر مجرمانه برای اولین بار توسط هریس در سال ۱۹۸۰ لیکن سابقه این بررسی ها به پژوهش وایت (white) در سال ۱۹۳۲ برمی گردد. وی دریافت در سفرهای مجرمانه برای ارتکاب جرائم علیه اموال (مانند سرقت) مسافت دورتری به نسبت سفرهای مجرمانه علیه اشخاص (مثل قتل و ضرب و جرح) طی می شود. تیونر در مطالعه دیگری به این نتیجه رسید که سفرهای مجرمانه با فاصله گرفتن از محل سکونت مجرمین کاهش می یابد. به عبارت دیگر بین تعداد سفرهای مجرمانه و بعد مسافت از محل زندگی مجرمین



رابطه معکوس مشاهده می‌شود. نکته حائز اهمیت دیگر اینکه فاصله سفرهای مجرمانه به عواملی چون نوع جرم، شیوه ارتکاب، زمان انجام و حتی ارزش اموال (در جرائم مالی) بستگی دارد.

## نوع و روش پژوهش

با توجه به ماهیت موضوع تحقیق و رویکرد حاکم بر فضای تحقیق از روش تحقیق غیرآزمایشی و توصیفی استفاده شده است روش جمع‌آوری داده‌های نیز به صورت اسنادی و کتابخانه‌ای بوده است.

## نتیجه‌گیری

وقوع جرم، علاوه بر بزه‌کار و بزه دیده، به مکان وقوع جرم نیز نیاز دارد. جرائم در مکان رخ می‌دهند، از این رو این اندیشه به ذهن خطور می‌کند که اتخاذ تدابیر پیشگیری از جرم در خصوص محیط نیز ضروری می‌باشد. همان‌طور که می‌دانیم مجرمین معمولاً در انتخاب هدف مجرمانه خود تصمیمی عاقلانه گرفته و برای این کار نوع جرم، زمان، جاذبه‌ها و امکانات مکان را برای ارتکاب عمل مجرمانه در نظر می‌گیرد.

بنابراین از آنجاکه عوامل محیطی باعث ایجاد انگیزه، رغبت، کشش و قصد مجرمانه در فرد می‌شوند، طراحی صحیح معماری جهت پیشگیری از جرم و ناامنی، یکی از راه حل‌های ضروری در امر پیشگیری از جرم می‌باشد.

از آنجاکه در شهر تنوع قومی، فرهنگی و اقتصادی، اجتماعی و ... زیاد است و نمی‌توان تمام مشکلات را به یک‌چیز خاص شهر نسبت داد. یعنی اگر شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه شهری مناسب باشد به تبع، ضریب امنیتی آن نیز بالا خواهد رفت. چون رابطه مستقیمی بین شرایط اجتماعی و اقتصادی و محله‌های جرم خیز وجود دارد. درواقع محله‌هایی که شهروندان کم‌درآمد در آنجا زندگی می‌کردند، محله‌هایی متراکم یا حاشیه‌نشین بوده که بیشترین جرم و جنایت در این محله‌ها اتفاق می‌افتد و حتی بیشتر زندانیان نیز به همین محله‌ها تعلق دارند به گونه‌ای که نوع جرم و جنایت در این محله‌ها با محله‌های مرفه نشین متفاوت است. (محمدرحیم، ۱۳۸۱)





## پیشنهادهای

اصول مهمی که در ارتباط با پیشگیری از وقوع جرم از طریق معماری و شهرسازی مؤثرند به شرح ذیل پیشنهاد می‌گردد.

۱. استفاده از تابلوها و هشدارها جهت اعلام عدم خرابکاری ساکنین یا سایر افراد و نصب دوربین‌های مراقبتی

۲. استفاده از تقاطع‌های هم‌سطح به‌جای زیرگذرها

۳. دشوار کردن دستیابی به اهداف مجرمانه با ارتقای استانداردهای امنیتی ساختمان

۴. استفاده از مواد و مصالح با پوشش‌های سخت که هم جلوی سرقت و ... را گرفته و هم در برابر بلایای طبیعی و جنگ‌ها از مقاومت بالایی برخوردارند.

۵. استفاده از موانع فیزیکی یا روانی (حصارهای توری دیوار آجری و ...) موانع روانی می‌تواند از طریق ایجاد مغازه‌ها و ... باشد.

۶. استقرار ایستگاه‌های اتوبوس در نزدیکی ورودی‌ها و نه در جاهای خلوت

۷. اصلاح روشنایی معبر و فضای احتمال بروز جرم و ناامنی (این امر باعث می‌شود با افزایش احساس تحت مراقبت بودن، ارتکاب جرم کاهش یابد)

۸. اصلاح طراحی شهری در مکان‌هایی که شکل طراحی و معماری، عامل و زمینه‌های ارتکاب جرم و بروز ناامنی را موجب می‌شود

۹. ایجاد حس قلمرو در بین ساکنان: مهندسان معماری می‌توانند با خصوصیات درونی و همچنین خصوصیات بیرونی ایجاد حس قلمرو کنند. یک‌راه برای انجام این کار، استفاده از موانع عینی مانند قفل درب‌ها، حصارها و موانع نمادین مانند چندین پله یا گذرگاه‌های سرپوشیده است.

۱۰. ایجاد فرهنگ پیاده‌روی در سفرهای کوتاه و درون محله‌ای

۱۱. ایجاد واحدهای تجاری، مسکونی مختلط برای ایجاد امنیت بهتر

۱۲. پیش‌بینی و طراحی عرض مناسب برای پیاده‌روها

۱۳. تداخل پارک با فضاهای تجاری خصوصی

۱۴. ترویج مشارکت‌های مردمی در مبحث تأمین امنیت با کسب نظرات آنان در قبل از طراحی شهری (توسعه فضای شهری)





۱۵. تغییر در طراحی فضاهای گم و فاقد دید بصری (مثل فضاهای پشت شمشادها  
بلند و...) (۱۵)

۱۶. تلفیق کاربری‌های عمومی، خصوصی، شهری، تجاری

۱۷. توجه به بافت‌های فرسوده و گنجاندن و رعایت اصول پدافند غیرعامل در توسعه  
و یا نگهداری آن (۱۷)

۱۸. توجه به شرایط اقلیم و آب هوا (توجه به پتانسیل‌های محیط طبیعی پیرامون)

۱۹. توجه به طراحی و معماری متناسب با نوع تهدیدات متصوره در حوزه حوادث  
مترقبه و غیرمترقبه (مدیریت همگام با تهدیدات) (۱۹)

۲۰. خودداری از ایجاد مجموعه‌های بزرگ مسکونی بدون در نظر گرفتن اقدامات امنیتی

۲۱. ارائه الگو و طراحی بر اساس سبک اسلامی، ایرانی و توجه به تهدیدات متصور آتی

۲۲. طراحی و معماری مناسب جهت ایجاد دسترسی به فضاهای سالم شهری

۲۳. معنا بخشی و رؤیت پذیری فضاها و حذف فضاهای فاقد کارکرد و یا دارای  
کارکردهای نامناسب (۲۳)

۲۴. مکان‌گزینی فضاهای سالم شهری در کنار کاربری‌های سازگار

۲۵. مکان‌یابی عملکردها (مکان‌یابی مناسب کاربری‌ها)





## منابع و مأخذ

- اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، تهران، نشر میزان، پاییز ۸۶، ج اول، ص ۱۱۹.
- اردشیری، مهیار، تابستان ۱۳۸۰؛ تحولات کالبدی شهرها، مجله شهر، شماره ۱۹
- بحرینی، حسین (۱۳۷۸)، تحلیل فضاهاى شهری، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم
- خاکپور، براتعلی، رضانی مرتضی، تأثیر میزان برخورداری امکانات شهری برافزایش جرائم شهری شهر مشهد-۱۳۸۶
- رهنما، محمدرحیم، ۱۳۸۱، میزگرد ماهنامه شهرداری پیرامون امنیت شهری، ماهنامه شهرداری‌ها شماره ۴۱
- سیاح، احمد، فرهنگ جامع عربی، فارسی، ج اول، ذیل کلمه جرم
- شامبیاتی، هوشنگ، حقوق جزای عمومی، تهران، نشر ژوبین، آذر ۸۴، چاپ دوازدهم، ج اول
- شکوئی، حسین (۱۳۷۵)؛ دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، تهران: انتشارات سمت، چاپ دوم، جلد اول.
- شناسایی کانون‌های جرم خیز شهری، دکتر محسن کلانتری و مهدی توکلی / فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم / سال دوم: شماره دوم بهار ۱۳۸۹
- عباسی، الهام تحلیل فضایی کانون‌های جرم خیز - پایان‌نامه کارشناسی ارشد-۱۳۸۷
- موسوی خمینی، امام روح‌الله، تحریر الوسیله، مکتبه العلمیه الاسلامیه، ج دوم
- ولیدی، محمد صالح، حقوق جزای عمومی تهران، بهار ۱۳۷۲، مرکز نشر داد ج دوم

